

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته از: نعیم سلیمی - کابل / افغانستان

۲۹ مارچ ۲۰۱۹



مجادله پیرامون حکومت موقت!

درین روزها مسأله زعامت سرپرست و یا حکومت موقت بر سر زبان های عام و خاص جامعه افغانی قرار دارد و به خصوص بعد از این که پای "عمران خان" صدراعظم پاکستان در پشتیبانی از این طرح برای حل معضلات جنگ و صلح افغانستان در میان کشیده شده است، این مطلب رنگ و بوی ملاک خیانت به وطن در میان حلقات روشنفکری ما را به خود گرفته است که درک ناقص و ضعیف را از موضوع افاده می نماید.

عده ای (مخالفان غنی در نظام) طرح این مسأله را مبتنی بر روحیه قانون اساسی افغانستان به مثابه وثیقه مقدس سیاسی کشور دانسته و طرفداران ارگ آن را نسخه خطرناک برای از هم پاشیدن حاکمیت نظام و دستاورد های دو دهه دموکراسی بورژوا لیبرال افغانستان و نقض این قانون می دانند؛ ولی حقیقت مسلم نه آن است و نه هم این؛ زیرا کشور ما در موجودیت به اصطلاح حکومت "وحدت ملی" ظاهراً با ثبات کدام گلی را به آب داده است که در صورت ایجاد حکومت موقت بهار وطن خزان شود. ذکر این مطلب به لحاظی ضروری است که حسب گزارش های بی بی سی بیش تر از ۷۰ درصد کشور در کنترل طالبان قرار داشته و صرفاً طی مدت زمان ۴ سال گذشته بنا بر اعتراف خود "اشرف غنی احمدزی" ۴۵ هزار صرفاً! از سربازان و پرسونل اردو مجزا از افراد ملکی به هلاکت رسیده اند که رئیس جمهور به آن می بالد، ولی او با پر روئی تملق و افتخار برای واشنگتن اذعان نمود که تلفات سربازان آنها به حد اقل نازل آن رسیده است که واقعاً یک رقم دهشتناک و بیسابقه را نشان می دهد و بناءً جای تعجب نیست که حسب اطلاعات منابع وزارت دفاع امریکا میزان جلب و جذب سربازان افغان در قوهای مسلح افغانستان، کاهش یافته است. جوهر مطلب در آن نهفته است که در این مجادله قدرت طوری که تجارب بارها نشان داده است، هیچ یکی از طرفین دارای برخورد اصولی به حاکمیت قانون و ایجاد امن و ثبات در جامعه نبوده اند. برای روشن شدن موضوع جهت

دریافت علل این مجادله و به خصوص جانب دولت و حکومت یاددهانی نکات ذیل لازمی به نظر می رسد که ما را در زمینه کمک می نمایند:

* - همه به یاد داریم که در گذشته های نچندان دور "غنی" در چندین مناسبت "خلیلزاد" فرستاده خاص امریکا برای افغانستان را همکار و دوست دیرینه و صمیمی خود می خواند ؛ پس سؤالی به میان می آید که چه اتفاق افتاد به طور خلق الساعه دوستی محکم و قدیم دو یار و یاور کهنه کار به دشمنی بدل شود که در نتیجه آن سفر "حمدالله محب" مشاور ارشد امنیت ملی ارگ به ایالات متحده امریکا با یک درامه مضحک کمیدی تراژیدی پایان یابد ؟ ؛ پاسخ این سؤال بسیار ساده و بسیط است یعنی که مجادله برای تصاحب و ابقای قدرت هم از جانب ارگ نشینان و همچنان معکوس آن؛ در اینجا هیچ گونه معیاری برای ارزش های ملی و ثبات نظام سیاسی کشور مطرح نیست ، به لحاظ این که کشیدگی ها میان ارگ و نماینده خاص وزارت خارجه امریکا زمانی بالا گرفت که اداره قصر سفید به رهبری دونالد ترامپ به پیشنهادات و مطالبات مکرر ارگ مبنی بر کاهش مصارفات نظامی امریکا به حد اقل و همچنان کاهش تلفات عساکر و پرسونل نظامی امریکا در افغانستان چندان وقعی نگذاشته و آن را نادیده گرفت، زیرا که واشنگتن دارای ستراتیژی و برنامه های قبلاً پروگرام شده برای افغانستان و منطقه است که در آن جایی برای اصرار و تأکیدات فردی شخصی ولو هم که به منفعت به ظاهر اقتصادی امریکا هم باشد باقی نمی ماند ؛

* - توقع ارگ در زمینه بعد از تماس های مکرری که تذکار یافت این بود که پیشبرد روند صلح و مذاکرات و حتی تشکیل اداره سرپرست با ملکیت و مدیریت کابل عملی گردد که در آن ابتکار و نقش مرکزی را دولت و حکومت افغانستان به دست داشته باشد ؛

* - وقتی که همه تلاش ها بی نتیجه ماندند و آرزو های شیرین جای خود را به یأس و نا امیدي رها نمود، جنون رئیس جمهور با ایراد بیانیه های پرطمطراق و دو آتشف پایولستی به ظاهر میهن پرستانه و خلاف حکومت موقت آغاز گردید که تا کنون نیز جریان دارد؛

* - این که پاکستان چرا این مطلب را دامن می زند باید یاد آور شوم که اسلام آباد دو هدف را دنبال می نماید ؛ یکی این که از طالبان و طرح های آنها در زمینه به حیث یک لشکر نیابتی برای اعمال نفوذ قدرتش در افغانستان استفاده نماید و دوم این که از کشیدگی بحران قدرت در داخل نظام مبنی بر موافقت و یا ضدیت با طرح حکومت موقت، به نفع خود ماهی مراد را صید کند ؛ برای یک لحظه تصور کنید که حرف حکومت موقت هیچ در اجندای روز نباشد و بالفرض یک طرح دیگری مثلاً تشکیل حکومت با قاعده های وسیع که از لحاظ شکل و مضمون دموکراتیک باشد در دستور روز قرار داشته باشد ، ولی ارباب دیکتاتورمنش مستبد قدرت در کابل با آن مخالفت کند، مگر پاکستان به خاطر منفعت ستراتیژیک ملی خود برای آوردن فشار لازم بالای کابل از آن استفاده تاکتیکی نماید ؛ در آنصورت پرسشی مطرح می گردد این که آیا طرح پیشنهادی حکومت با قاعده وسیع یک نسخه بد سیاسی است و یا خیر؟ ، جواب روشن است که نه . مهم این است تعیین نوع حکومت از هر نوعی که باشد باید بر محور دو تا مطلب بچرخد ؛ یکی این که بر اساس رأی و نظر خواهی همگانی مردم افغانستان به وجود بیاید و دوم این که واقعیت های عینی و عملی پراگماتیک جامعه ما ، منطقه و جهان را نیز در خود تلفیق نماید؛

آنچ برای روشنفکران افغان و مردم افغانستان در این مرحله تاریخی مربوط می گردد این است که برخورد به این قضیه را به هیچ وجه صبغه ملی ندهند و به عکس به نظر این قلم همان دو فکتوری را که من آن را یاد آور شدم ، مد نظر

بگیرند ؛ برای یک لحظه تصور کنید که همین حالا تمامی ابتکارات روند صلح که ارگ تصور می نماید جهت برداشت منفعت های فردی "خلیلزاد" مورد استفاده قرار می گیرد با استشاره سخاوتمندانه و اشنگنن به "غنی" و تیش در ارگ انتقال کند که او و نقش فردی اش را در این پروسه ضمانت نماید ، در آنصورت شما خواهید دید که وی حکومت موقت را که به جایش بگذارید ؛ بلکه هر میکانیزم دیگری را که به شمول امارت دیکتاتوری طالبانی هم باشد ، می پذیرد ؛ حال مشکل ارگ در اینجاست که دیگر در دسترخوان سخاوت امریکا رزق و روزی طالبان نیز حواله می گردد . به عبارت دیگر و عامیانه درد هر چیزی فراموش می گردد ، ولی درد شکم نه ؛ ولی تا آنجائی که مربوط به مصیبت شناسی حکومت موقت می گردد همان ضرب المثل عامیانه وطنی صدق می کند که " دستش به آلو نمی رسد ، میگه آلو ترش است . "

پایان

نقد و نظر شما.....